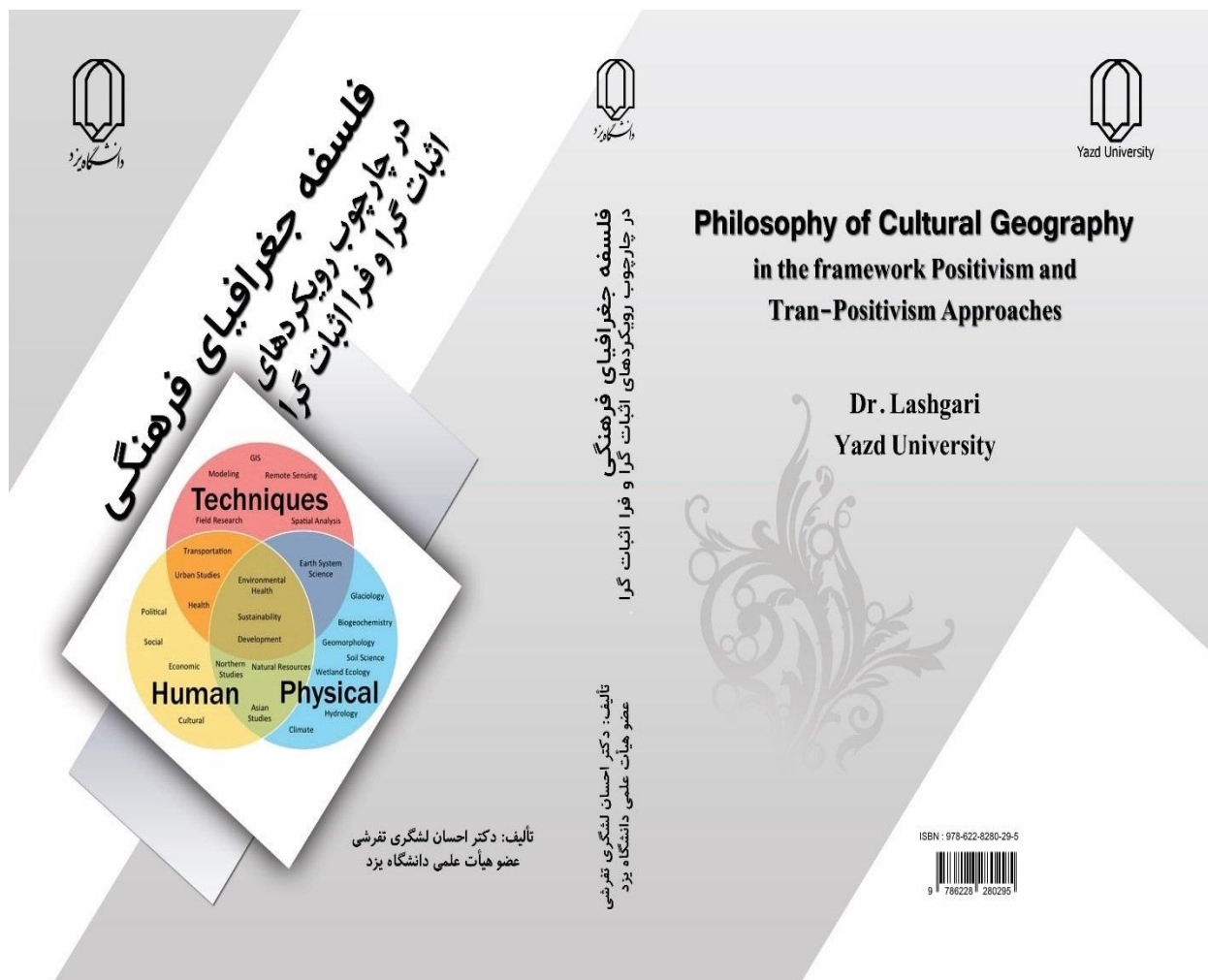


معرفی کتاب جغرافیای فلسفه جغرافیای فرهنگی در چهارچوب رویکردهای اثبات گرا و فرا اثبات گرا
به نگارش دکتر احسان لشگری تفرشی عضو هیأت علمی دانشگاه یزد



یکی از زمینه‌های ایجاد تحول در مطالعات فرهنگ و فضا، بازساخت پارادایم‌های هستی‌شناختی در شناخت این رابطه بوده است. مفروضه‌های هستی‌شناختی در زمینه ماهیت رابطه فرهنگ و فضای جغرافیایی دارای نقش محوری در تحلیل‌های فضایی و زمینه‌ساز نوع خاصی از غایت‌اندیشی و سیاست‌گذاری فضایی خواهند بود. اصولاً پژوهش بدون اتخاذ موضع هستی‌شناسانه امکان‌پذیر نیست و سخن گفتن از هر شناختی در درون نوع خاصی از هستی‌شناسی متجلی می‌گردد. چرا که هستی‌شناسی مشتمل بر مفروضه‌های بنیادین در باب جوهره هستی و به معنای دیدگاهی کلی در باب پدیده‌هایی است که وجود دارد. پرسش هستی‌شناختی، پرسش‌هایی درباره ماهیت بنیادین جهان و در مورد وجه اجتماعی این واقعیت‌ها و معطوف به مجموعه‌ای از پیش فرض‌ها در مورد ماهیت «هستی» است که زیربنای مجموعه‌ای از ایده‌ها و عقاید در مورد پدیده‌های موجود می‌باشد.

بدیهی است مفروض دانستن هر کدام از الگوهای هستی‌شناختی منجر به تمایز در الگوهای روش‌شناسی و دستیابی به شناخت‌های متضاد در رابطه با تبیین نظام‌های فضایی و سیر آینده آن می‌گردد. بطور کلی دو رویکرد اصلی در ساحت مطالعات روش‌شناسی وجود داشته و بدیهی است جستجو و تطبیق این دو «شناسی» سپهر متمایزی را در مطالعه جغرافیای فرهنگی می‌گشاید. بویژه در این اثر جایگاه ویژه‌ای برای مفهوم‌شناسی جغرافیای فرهنگی فرا اثبات‌گرا در نظر گرفته شده است. چرا که در نظریات ذهنی و فرا اثبات‌گرا اندیشه‌ورزی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد و این در حالی است که در نظریات اثبات‌گرای غیرتاریخی، یافتن گزاره‌های تعمیم‌پذیر و پیش‌بینی از ارجحیت بسیار بالایی برخوردار خواهد بود. بطور کلی در بین شاخه‌های مختلف علوم جغرافیایی اتخاذ وجه عینیت‌گرا و روش‌شناسی اثبات‌گرا در جغرافیای طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در حالی که در جغرافیای انسانی مواجهه با چالش‌های جامعه و انسان می‌تواند دارای مبناهای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی متفاوتی باشد که منتهی به رویکردهای متمایز در سیاست‌گذاری می‌گردد. این در حالی بوده است که در سده معاصر از آنجایی که علوم تجربی و ابزارها و روش‌های مرتبط با آن در پیشرفت جوامع نقش بی‌بدیل ایفا نموده‌اند از این‌رو در علوم جغرافیایی نیز از ابتدا این روش‌شناسی بیشتر مورد اقبال قرار گرفته است.

بتدریج با توجه به عدم تحقق پیش‌بینی‌های جغرافیدان اثبات‌گرا و چالش‌های فزاینده مربوط به عدم تعادل‌های محیطی و فرایندهای توسعه؛ دیدگاه‌های انتقادی و هستی‌شناسی گفتمانی و ذهنی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بویژه در جغرافیای انسانی اندیشه‌ورزی در خصوص جایگاه و چگونگی عملکرد قدرت در تولید فضا از اهمیت شایانی برخوردار گردید. چرا که در این دو رویکرد هستی‌شناختی؛ سیاست و امر سیاسی در جایگاه عاملیت نسبت به سایر ابعاد فضای جغرافیایی قرار می‌گیرند. اصولاً یکی از مجادله‌های قرن بیستم در زمینه مطالعات جغرافیای فرهنگی چارچوب بندی اقتضایی و یا قاعده‌مند این شاخه از جغرافیای انسانی بوده است. از منظر سیر تحولات تاریخی رویکردهای روش‌شناختی در مراحل اولیه حیات جغرافیای فرهنگی بر این علم رویکردهای ناحیه‌گرایی و سپس دیدگاه اثبات‌گرا حاکم بوده است.

لیکن از دهه ۱۹۷۰ میلادی با توجه کاستی‌های مطرح شده از طرف برخی جغرافیدانان فرهنگی نسبت به مفاهیم و گزاره‌های این علم بتدریج هستی‌شناسی ذهنیت‌گرا و روش‌شناسی فرا اثبات‌گرا نیز در مطالعات جغرافیای فرهنگی مطرح گردید. به همین دلیل است که در طول دهه‌های گذشته هرچه بیشتر از توجه صرف به توان هستی‌شناسی عینیت‌گرا و روش‌شناسی اثبات‌گرا کاسته شده و متون جغرافیایی متأثر از دیدگاه فرا اثبات‌گرایی با اقبال بیشتری روبرو شده است. اهمیت دهی فزاینده به روش‌شناسی اثبات‌گرا در مطالعات جغرافیای فرهنگی دارای آسیب‌های متعددی بوده است که از جمله آنها فقر فلسفی و اندیشه‌ورزی در این ساحت علمی بوده است. اصولاً برنامه‌ریزی و آمایش فضا بی‌نیاز از فلسفه و اندیشه سیاسی - اجتماعی و بدون توجه به تاریخ و تطورات اقتصاد سیاسی نمی‌تواند اهداف مطلوب را ترسیم نماید. چرا که اندیشیدن در مورد راه‌ها و روش‌های توسعه در خلاء صورت نمی‌گیرد و نیازمند دانش و آگاهی ضمنی از وضعیت است؛ ضمن اینکه توسعه فضا صرفاً از طریق فرایندهای انباشت ثروت و اقتصاد بازار آزاد که متمایل به ابزارهای کمی و تجربی است؛ به غایت مطلوب نمی‌رسد. در این راستا جغرافیای فرهنگی از جمله شاخه‌های کاربردی علوم جغرافیایی است که هم درصدد شناخت فضا و هم بدنبال تغییر در جهت مطلوب می‌باشد. به این معنا که الزاماً محدود به امر واقع نیست بلکه ضرورتاً به امر مطلوب هم نظر دارد.

به همین دلیل بوده است که مبحث سیاست‌های فضایی (Politics of Space) به صورت فزاینده مورد توجه اندیشمندان در شاخه‌های مختلف علوم جغرافیایی و از جمله جغرافیای فرهنگی قرار گرفته است. اصولاً چشم‌انداز فضایی حاصل مجموعه‌ای از تفاوت‌ها و تشابهات است که بنیاد هستی‌شناختی ظهور مطالعات جغرافیایی می‌گردد. لیکن یکی از منابع و سرچشمه‌های تولید این چشم‌انداز فضایی حاصل عملکرد قدرت می‌باشد که ساماندهای فضا را در مقطعی از تاریخ بر عهده داشته است. امروزه با توجه به توزیع قدرت در میان سایر نیروهای اجتماعی مبحث "سیاست‌های فضایی" جلوه‌ها و نمادهای جدیدی یافته است. از جمله توسعه مباحث جغرافیای فرهنگی و اجتماعی جلوه‌های جدیدی از اثرات قدرت در جغرافیا را نمایندگی می‌نماید. با توجه به فقدان منابع علمی مورد نیاز در جهت شناخت پیامدهای دونالیسم روش‌شناختی در جغرافیای فرهنگی در این اثر کوشش گردیده مفهوم‌شناسی رابطه فرهنگ و فضا و سیر تکوین آن در قالب روش‌شناسی دو وجهی (اثبات‌گرا-فرا اثبات‌گرا) و پیامدهای آنها مورد مطالعه قرار گیرد. به فراخور موضوعات نظری مطرح شده در کتاب مطالعه موردی بویژه در مورد جغرافیای فرهنگی ایران نیز در کنار مباحث نظری در نظر گرفته شده است تا بدین وسیله درک مباحث تئوریک کتاب بهتر امکان‌پذیر گردد.

فهرست مطالب

فصل اول: مفهوم‌شناسی "جغرافیای فرهنگی"

- ۱-۱- چالش‌های مفهومی "جغرافیای فرهنگی" ۱۳
- ۲-۱- مکان به عنوان یک پدیده فرهنگی ۱۷
- ۳-۱- تاریخچهٔ تکوین جغرافیای فرهنگی ۱۸
- ۴-۱- جغرافیای فرهنگی و عصر اکتشافات ۱۹
- ۵-۱- جغرافیای فرهنگی و جبرگرایی محیطی ۲۰
- ۶-۱- نظریه‌های جغرافیای فرهنگی جبرگرا ۲۴
- ۷-۱- جغرافیای فرهنگی و امکان‌گرایی ۲۹
- ۸-۱- زمینه‌های تاریخی ظهور جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا ۳۲
- ۹-۱- رویکردهای روش‌شناختی در جغرافیای فرهنگی ۳۵

فصل دوم: روش‌شناسی اثبات‌گرا و جغرافیای فرهنگی

- ۱-۲- مفهوم‌شناسی "فضای جغرافیای مطلق" ۳۸
- ۲-۲- سیر تکوین هستی‌شناسی عینیت‌گرا در جغرافیا ۴۳
- ۳-۲- جغرافیای فرهنگی مطلق‌گرا و چگونگی ارجحیت‌یابی روش اثبات‌گرا ۴۵
- ۴-۲- کارکرد منطق قیاسی و استقرایی در چارچوب جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا ۵۰
- ۵-۲- جایگاه اعتباریات محض و اعتباریات عقلی در شناخت جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا ۵۴
- ۶-۲- رویکردهای جامعه‌شناختی در جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا ۵۹
- ۱-۶-۲- جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا و نظریه تطورگرایی (تکامل‌گرایی) ۵۹
- ۲-۶-۲- کارکردگرایی و جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا ۶۶
- ۱-۲-۶-۲- انگاره کارکردگرایی و تحلیل تحول مناسبات فضایی ۶۸
- ۳-۶-۲- رفتارگرایی و جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا ۷۵
- ۴-۶-۲- بوم‌شناسی فرهنگی ۷۸
- ۵-۶-۲- جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا و رویکرد تطبیقی - تاریخی ۸۵
- ۱-۵-۶-۲- مطالعه موردی: مقایسه تطبیقی قلمروهای تولید فرهنگ در یونان باستان و هلال خصیب ۸۵
- ۲-۶-۲- جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا و نظریه پخش فرهنگی ۹۸
- ۱-۷-۶-۲- فرایند پخش زبان در جغرافیای فرهنگی ۱۰۳
- ۲-۷-۶-۲- فرایند پخش ادیان در جغرافیای فرهنگی ۱۰۷
- الف- تأثیر مؤلفه‌های محیط طبیعی در آموزه‌های ادیان و مذاهب ۱۰۹
- ب- محیط طبیعی و ظهور چشم‌اندازهای مقدس ادیان و مذاهب ۱۱۲
- ج- آموزه‌های ادیان و مذاهب و جغرافیای زیستی ۱۱۴
- د- مطالعه موردی: ابعاد اکولوژیک زبان و دین در ایران ۱۱۶
- و- پخش فرهنگی و مولفه مجاورت در جغرافیای فرهنگی ایران ۱۳۰

- ۸۶-۲- جهانی شدن و جغرافیای فرهنگی اثبات‌گرا..... ۱۳۴
- ۸۶-۲-۱- جغرافیای زبان و فرایند جهانی شدن ۱۳۷

فصل سوم: روش‌شناسی فرا اثبات‌گرا و جغرافیای فرهنگی

- ۱-۳- جغرافیای فرهنگی و مکتب مارکسیسم..... ۱۳۹
- ۲-۳- مارکسیسم و ظهور جغرافیای فرهنگی انتقادی..... ۱۴۸
- ۳-۳- جغرافیای فرهنگی و مکتب ساختارگرایی..... ۱۵۳
- ۱-۳-۳- جایگاه روش‌شناسی فرا اثبات‌گرا در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا ۱۵۷
- ۲-۳-۳- جغرافیای فرهنگی ساختارگرا و مفهوم‌یابی گفتمان..... ۱۶۲
- ۳-۳-۳- جایگاه فرد در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۶۳
- ۴-۳-۳- مفهوم روح تاریخی در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۶۵
- ۵-۳-۳- ارگانیزم‌گرایی و ظهور مقوله قلمرومندی اخلاق..... ۱۶۸
- ۶-۳-۳- عاملیت حکومت در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۷۱
- ۷-۳-۳- نظریه انتخاب عمومی و بازاندیشی در باب جایگاه حکومت در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا... ۱۸۳
- ۸-۳-۳- جایگاه تبارشناسی در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۸۵
- ۹-۳-۳- تفسیر موقعیت، محلّیت و بار احساسی مکان در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۹۱
- ۱۰-۳-۳- فضای نمادین، فضای اسطوره‌ای و فضای زیسته در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۹۳
- ۱۱-۳-۳- فضای عمومی و اقتصاد سیاسی مالکیت در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۱۹۶
- ۱۲-۳-۳- جغرافیای فرهنگی و فرایند توسعه در انگاره ساختارگرا..... ۱۹۹
- ۱۳-۳-۳- جغرافیای فرهنگی ساختارگرا و اقتصاد سیاسی ۲۰۶
- ۱۴-۳-۳- مفهوم‌شناسی قلمرو فرهنگی ذیل جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۲۱۶
- ۱۵-۳-۳- جغرافیای فرهنگی ساختارگرا و "سازه‌انگاری" هویت اجتماعی ۲۱۸
- ۱۶-۳-۳- مفهوم ملت در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۲۲۱
- ۱۷-۳-۳- نژاد و قومیت در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۲۲۴
- ۱۸-۳-۳- ساختارگرایی و حرکت ۲۲۷
- ۱۹-۳-۳- تبارشناسی گفتمان قدرت در جغرافیای ادبیات ۲۲۹
- ۲۰-۳-۳- رابطه متقابل مذهب و توسعه (نظریه ماکس وبر) در جغرافیای فرهنگی ساختارگرا..... ۲۳۱
- ۲۱-۳-۳- دین و قلمروسازی ۲۳۵
- ۲۲-۳-۳- جغرافیای فرهنگی و تعارضات میان ادیان و تمدنها..... ۲۳۷
- ۲۳-۳-۳- شالوده‌شکنی جغرافیایی علل تعارضات اسلام و غرب..... ۲۳۷
- ۲۴-۳-۳- علل جغرافیایی ظهور تعارضات میان ادیان اسلام و یهودیت ۲۴۱
- ۲۵-۳-۳- نظریه‌های ژئوپلیتیک فرهنگی در روابط اسلام و غرب پس از جنگ سرد ۲۴۲
- ۲۶-۳-۳- حکومت مندی، ناسیونالیسم و جغرافیای فرهنگی ۲۴۷
- ۲۶-۳-۱- مطالعه موردی: ساخت هویت سرزمینی مبتنی بر خوانش سراسربین ۲۴۹
- ۴-۳- مکتب پدیدارشناسی و جغرافیای فرهنگی ۲۵۳

- ۲۵۵-۱-۴-۳- مفهوم‌شناسی فضای جغرافیایی در چارچوب مکتب پدیدارشناسی هرمنوتیک
- ۲۵۹-۱-۱-۴-۳- مفهوم‌شناسی فضای جغرافیایی در اندیشه‌های دگر و گادامر
- ۲۶۴-۲-۴-۳- مفهوم ادراک محیطی و جغرافیای فرهنگی هرمنوتیک
- ۲۶۶-۳-۴-۳- چشم‌انداز فرهنگی به مثابه متن تفسیری
- ۲۶۹-۵-۳- جغرافیای فرهنگی و مکتب اگزیستانسیالیسم
- ۲۷۶-۶-۳- پسااختارگرایی و جغرافیای فرهنگی
- ۲۷۸-۱-۶-۳- چرخش فضایی در جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۲۸۱-۲-۶-۳- تمایزات جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا با مارکسیسم و پدیدارشناسی
- ۲۸۴-۳-۶-۳- جایگاه قدرت متکثر در ساخت جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۲۸۷-۴-۶-۳- مطالعات موضوعی در جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۲۸۷-۱-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی نهادگرا و تحول در بازآرایی فرهنگی و اقتصادی فضا
- ۲۸۸-۲-۴-۶-۳- جایگاه دولت در جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۲۹۲-۳-۴-۶-۳- شالوده شکنی در جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۲۹۵-۴-۴-۶-۳- حکمروایی پسااختارگرا و جغرافیای فرهنگی
- ۳۱۳-۵-۴-۶-۳- پسااستعمارگرایی
- ۳۱۴-۶-۴-۶-۳- پسااختارگرایی و جغرافیای کودکان
- ۳۱۷-۷-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی جوانان و فضاهای مقاومت
- ۳۱۷-۸-۴-۶-۳- سفر/ توریسم و پسااختارگرایی
- ۳۱۹-۹-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا و رسانه‌های گروهی
- ۳۲۵-۱-۹-۴-۶-۳- کارکردهای استراتژیک رسانه‌ها در کنترل و هدایت افکار عمومی
- ۳۲۸-۲-۹-۴-۶-۳- صنعت فیلم و جغرافیای فرهنگی
- ۳۳۰-۱۰-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی و نقش رو به تغییر زنان در عصر جدید
- ۳۳۲-۱-۱۰-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی و مکتب فمینیسم
- ۳۳۵-۲-۱۰-۴-۶-۳- جغرافیای فمینیستی و مکاتب روش شناختی
- ۳۳۸-۳-۱۰-۴-۶-۳- زنان و ابعاد مختلف فضای جغرافیایی
- ۳۴۰-۴-۱۰-۴-۶-۳- اکولوژی جنسیت (اکوفمینیسم)
- ۳۴۱-۱۱-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا و زندگی روزمره
- ۳۴۳-۱۲-۴-۶-۳- جهانی سازی و ژئوپلیتیک مقاومت
- ۳۴۵-۱۳-۴-۶-۳- مفهوم‌شناسی امر سیاسی در جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۳۴۸-۱۴-۴-۶-۳- جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا و نظریه "سرهم بندی" ژیل دلوز
- ۳۵۶-۷-۳- مواضع انتقادی به جغرافیای فرهنگی پسااختارگرا
- ۳۶۰- منابع و مآخذ
- ۳۹۱- واژه‌نامه